

زیبایی‌شناسی زدایی

رویکردی ساختارزدایانه به زیبایی‌شناسی

دکتر مهدی خبازی کناری

عضویت علمی، دانشگاه مازندران

دکتر صفا . بطی

حکایت قلم نوین

۱۳۹۶

سرشناسه	خجازی کناری، مهدی، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	زیبایی‌شناسی‌زدایی رویکردی ساختارزدایانه به زیبایی‌شناسی / مهدی خجازی کناری، صفا سیبطی.
مشخصات نشر	تهران: حکایت قلم نوین، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۱۵۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۸۱-۵۱-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۱۳۱]-۱۳۲.
موضوع	زیبایی‌شناسی
موضوع	Aesthetics
موضوع	زیبایی‌شناسی نوین -- قرن ۱۸م.
موضوع	Aesthetics, Modern -- 19th century
موضوع	ساختارگرایی (فلسفه)
موضوع	Constructivism Philosophy
موضوع	هنر -- فلسفه
موضوع	Art -- Philosophy
شناسه افزوده	بطی، صفا، ۱۳۴۴ -
رده بندی کنگره	۳۹۵ ج۲۳۹ BH۳۹
رده بندی دیویی	۱۱۸ ص
شماره کتابشناسی ملی	۷۳۶



حکایت قلم نوین

زیبایی‌شناسی‌زدایی

رویکردی ساختارزدایانه به زیبایی‌شناسی

مولفان:

دکتر مهدی خجازی کناری

عضو هیات علمی دانشگاه مازندران

دکتر صفا سیبطی

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۱۰۰

چاپ و صحافی: ندا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۸۱-۵۱-۷

آدرس: تهران، خ انقلاب، خ لیانی‌نژاد بعد از تقاطع خ دانشگاه، پلاک ۱۷۴ واحد ۱

تلفن: ۶۶۴۹۷۳۰۰ - ۶۶۴۹۷۲۹۵

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول: ساختارگرایی
۲۷.....	فصل دوم: ساختار دایره
۴۹.....	فصل سوم: زیبایی‌شناسی
۵۷.....	فصل چهارم: زیبایی‌شناسی کانت: ساختار مقتدرانه هنر
۷۵.....	فصل پنجم: زیبایی‌شناسی در ساختارگرایی
۸۷.....	فصل ششم: زیبایی‌شناسی زدایی در ساختارزدایی
۱۱۹.....	فصل هفتم: هنر تعاملی: رویداد ساختارزدایانه در هنر
۱۴۵.....	منابع

مقدمه

تفکر مدرن که با وشنگری آغاز می‌شود، خود را بر متعین ساختن جهان بر اساس عقلانیت ملزم می‌کند. در نخستین قدم دکارت با ناواضح انگاشتن امور حسی این امور را غیر قابل اعتماد قلمداد می‌کند و تعین این امور را به عقل متعالی می‌سپارد. کانت عینیت جهان را با عقلانیت دکارت پیوند می‌زند و شناخت را به سوژه‌ای می‌سپارد که قادر است به واسطه‌ی بنیان‌های پیشینی قوای عقلی، ابژه‌ها را متعین سازد. اما برای کانت تبیین امور حسی مهم است و از این جهت تلاش می‌کند به صورت‌بندی این حوزه نیز بپردازد. امور حسی در نظر کانت انباشته‌ای از ادراکات است که هم می‌تواند تحت قوانین پیشین قوه‌ی فهم قرار گیرد و شناخت را ممکن سازد یا ابژه را متعین کند و هم می‌تواند تحت قوه حکم قرار گیرد و در حالت بازی گونه‌ای بین قوای خیال و فهم، زیبایی را در ابژه قضاوت کند. این نقطه‌ای است که زیبایی‌شناسی مدرن شکل می‌گیرد. قواعدی که کانت برای

زیبایی‌شناسی عنوان می‌کند با چنان اقبالی مواجه می‌شود که اساس ساختار هنر را در دوران مدرن شکل می‌دهد و تحت تسلط خود در می‌آورد. در قرن بیستم بنیاد تعیین‌پذیری در تفکر مدرن تحت قیومیت سوژه‌ای که قادر است امور جهان را تعیین ببخشد به پرسش کشیده می‌شود. در این وضعیت بحران معرفت‌شناسی است که ساختارگرایی شک می‌گیرد تا اساساً به بنیان مناسباتی بپردازد که سوژه و ابژه را شکل می‌دهد. در این دوران زیبایی‌شناسی مدرن جریان خود را به واسطه‌ی ساختار مقتدرانه‌ای که بنا کرده بود، ادامه می‌دهد، با این تفاوت که از سوژه و ابژه‌تگر به سوی مناسبات فرمالیستی درون اثر تغییر مسیر می‌دهد. بدین ترتیب ساختارگرایی که پارادایم اصلی ابتدای قرن بیستم بود، تأثیر خود را بر زیبایی‌شناسی نیز می‌گذارد. اما جریان پیش‌رونده‌ی گریز از تعیین‌پذیری حتی با حذف سوژه‌گرایی و ذات‌گرایی در ساختارگرایی نیز متوقف نمی‌شود و ساختارزدایی از درون ساختارگرایی سر بر می‌آورد. در ساختارزدایی کانون‌های ساختار کانونیت خود را از دست می‌دهند و به حاشیه می‌روند. زیبایی‌شناسی نیز از بورش ساختارزدایی در امان نمی‌ماند و کانون اصلی آن یعنی زیبایی و ساختار خود بسنده آن که تا قبل از این از زیبایی گسست‌ناپذیر بود، به مخاطره می‌افتد. در ساختارزدایی، با به حاشیه رفتن تا سر حد حذف زیبایی، زیبایی‌شناسی که هم و تعهد اصلی آن درک و قضاوت بر زیبایی درون اثر بود، زیبایی‌شناسی زدایی می‌شود.

برای ورود به موضوع زیبایی‌شناسی زدایی لازم می‌دانیم نخست از ساختارزدایی آغاز کنیم. ساختارزدایی جریانی است که از دل ساختارگرایی بیرون آمده است. نسبت ساختارگرایی و ساختارزدایی نسبتی بسیار مهم است، به طوری که فهم نسبت میان این دو ما را به درک عمیق ساختارزدایی نزدیک می‌کند. این نسبت رابطه‌ای صرفاً مابلی نیست بلکه آن دو نسبتی دیالکتیکی با هم دارند. در ساختارزدایی با ناگزیر از ساختارگرایی هستیم، اما ساختارهایی که مدام کانون هایشان در حال تغییر و تکثر هستند. با این تلقی ساختارزدایی زدودن ساختارها و سرور از ساختارگرایی نیست، بلکه روایت تازه‌ای از ساختارگرایی است که در آن ساختارها به سیالیت درآمده‌اند. چنین رویکردی نسبت به ساختارگرایی ضرورت بحث درباره‌ی ساختارگرایی را مقدم بر ساختارزدایی ایجاب می‌کند. اغلب متونی که ساختارگرایی را مورد ملاحظه قرار داده‌اند، این بحث را در قالب نشانه‌شناسی و به تاسی از زبان‌شناسی پی گرفته‌اند. اما ما می‌خواهیم ساختارگرایی را به وجه فلسفه مورد بررسی قرار دهیم و در مورد انیم تا نشان دهیم چگونه ساختارگرایی در پی حل بحران‌های فلسفی و معرفت‌شناختی در قرن بیستم بوده است. در طی مباحث کتاب خواهیم دید که ساختارگرایی در حل معضل معرفت‌شناسی ناتوان بوده و ساختارزدایی در حالی که بر ستون‌های ساختارگرایی ایستاده است، به عنوان رویدادی از درون آن سر بر می‌آورد و تلاش می‌کند تا فقدان‌های آن را

پرکند. با روشن شدن وجه فلسفی ساختارگرایی و ساختارزدایی در طی دو فصل اول کتاب، در فصول بعد زیبایی‌شناسی و بطور خاص زیبایی‌شناسی کانت را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم. با جستجو در ساختارهای آن می‌خواهیم بدانیم زیبایی‌شناسی مدرن چگونه بر ستون‌های زیبایی‌شناسی کانت پایدار شده است. در فصل پنجم جریان ساختارگرایی را در زیبایی‌شناسی پی می‌گیریم و سپس چگونگی ساختارزدایی در زیبایی‌شناسی را تحت عنوان زیبایی‌شناسی زدایی مورد بررسی قرار می‌دهیم. فصل آخر کتاب نیز به موضوع هنر تعاملی به عنوان رویدادی اخت‌زدایانه در هنر اختصاص دارد که ضمن آن به چگونگی تغییرات بنیادین ساختارهای زیبایی‌شناسی در رویداد هنر تعاملی می‌پردازیم.

هدف ما از نگارش این کتاب به سوجه به گسترش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز افراد برای زندگی در جامعه‌ای در حال رشد و همچنین وجود دیدگاه‌های مختلف در زمینه نقدی که انسان‌ها در این جهان جدید ایفا خواهند کرد، آشنایی با مباحث نظری-فلسفی روز ضروری می‌نماید. تحولات سریع جوامع، رشد روز افزون اطلاعات، نحوه مواجهه‌ی صحیح با این شرایط را می‌طلبد و این مستلزم دست‌اندیشیدن و پرورش قوه تحلیل و تفکر انتقادی و روش‌های صحیح استدلال و قضاوت است تا فرد توانایی سازگاری و هماهنگی لازم را با این تحولات بیابد. بحث‌های فلسفی می‌تواند نوعی از آموزش فلسفه

تلقی گردد و آموزش فلسفه اقدامی برای بهبود تفکر است. فلسفه، به منزله شیوه‌ای برای تفکر اخلاقی، تفکر انتقادی و تفکر خلاق است. آموزش فلسفه زمانی موفقیت آمیز است که افرادی را تربیت کند که بتوانند درباره مسائل نقادانه بیان‌دیشند، دارای تفکر خلاق باشند و رابطه میان فلسفه و زندگی خود را دریابند. کتاب حاضر از نظر ما در عین پرداختن به بحث‌های فلسفی، می‌تواند به عنوان متنی آموزشی برای دانشجویان رشته فلسفه و سایر رشته‌های علوم انسانی تلقی شود. همچنین با توجه به اینکه در حال حاضر مبحث خاصی تحت عنوان زیبایی‌شناسی برای به ندرت در ساختار برنامه آموزشی دانشگاه‌های ایران و حتی جهان گنجانده شده است، این بحث می‌تواند به طور عام موضوعی قابل تأمل برای دانشجویان هنر و به طور خاص بحثی نظری برای فعالیت‌های هنری آن‌ها و دانشجویان و هنرمندانی باشد که به لحاظ ایده پردازی در آثار خود با مسائل انسانی، اجتماعی، سیاسی، ... به شکل‌های متفاوتی درگیر هستند و مسأله آن‌ها آفرینش آثاری با کیفیت‌های زیبایی‌شناسانه و تمرکز بر زیبایی‌شناسی و یا ایجاد جذابیت برای مخاطب با استفاده از رسانه‌های سنتی مانند نقاشی، گرافیک، سرامیک، مجسمه سازی ... نیست، بلکه فراتر از آن به هنر فیسر در جامعه یا گسترش فرهنگ از طریق آفرینش آثار هنری می‌اندیشند.